

تصویرسازی ادبیات حماسی و اسطوره‌ای بر سفالینه‌های اسگرافیاتو

با معرفی نمونه سفالینه‌های مؤسسه موزه‌های بنیاد

چکیده

اسطوره‌ها بخش مهمی از باورها و فرهنگ‌های جوامع هستند. ردپای اسطوره‌ها را علاوه بر تاریخ شفاهی و مکتوب ملت‌ها، می‌توان در آثار به جای مانده از آنان نیز جستجو کرد. استفاده از نقوش حماسی نه تنها در هنر نگارگری، بلکه در نقوش سفالینه‌ها نیز موثر واقع شده است. نقش‌مایه‌های تزیینی سفال‌ها، می‌توانند پژواکی از چگونگی تحولات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جوامع در دوره‌های مختلف باشد. برخی از نقوش ترسیمی بر روی سفالینه‌ها برگرفته از میراثی کهن با محوریت اساطیری است. این آثار همانند متون تاریخی، سهم وافری را در حفظ و معرفی اسطوره‌های جوامع دارد. این پژوهش در جست‌وجوی کیفیت تعامل میان مضامین ادبیات حماسی فارسی و نقوش سفالینه‌های نوع اسگرافیاتو سده‌های چهارم و پنجم هجری واقع در مجموعه موزه‌های بنیاد مستضعفان است. در فرایند این پژوهش به واکاوی و منشاء نقوش این سفالینه‌ها و اینکه این نقش‌مایه‌ها اغلب براساس کدام اثر منظوم و مضامین اسطوره‌ای تصویر شده‌اند، پرداخته می‌شود. این پژوهش با گردآوری داده‌ها و به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. بنابراین به این مهم می‌توان دست یافت که، کارکرد تداوم و تأثیر اسطوره‌ها به صورت نمادین بر باور مردمان به ویژه هنرمندان سفالگر در دوره‌های میانی اسلامی با توجه به ارزش‌ها و هویت ملی گذشته، اهمیت می‌یابد.

اهداف پژوهش:

۱. مطالعه و تحلیل موضوعات تصویری و مفاهیم نمادین سفال اسگرافیاتو.
۲. بررسی میزان الگوپذیری طرح‌های نقوش سفال اسگرافیاتو از مضامین اسطوره‌ای و حماسی ایران باستان.

سؤالات پژوهش:

۱. انگیزه هنرمندان سفال‌گر در تصویرسازی سفال اسگرافیاتو و انتخاب مضامین آن‌ها چه بوده است؟
۲. ویژگی‌های ادبیات حماسی چگونه بر روی نقوش سفال اسگرافیاتو این ظروف سفالی ظاهر شده است و چه تفاوتی با سایر نقوش داستانی دیگر سفالینه‌ها دارد؟

کلیدواژه‌ها: اسطوره، ادبیات حماسی، سفال اسگرافیاتو، موزه‌های بنیاد.

مقدمه

اسطوره‌ها در تکوین هویت ایرانی نقش بسزایی داشته‌اند. هویت ملی یک سرزمین، براساس بن‌مایه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد. توجه به خرد و دانش، و اشاره به فرهنگ‌ها و آیین‌ها و اسطوره‌های ملی، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که علاوه بر نظم و نثر، در دیگر آثار هنری این سرزمین دیده شده است. اسطوره و هنر همواره در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر زیسته‌اند. هنر سفالگری یکی از مهم‌ترین هنرهای ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی به‌شمار می‌رود. هنرمند سفالگر همواره از نقوشی بهره برده که متأثر از احساس، ادراک و تجربه باطنی وی است. در مؤسسه فرهنگی بنیاد^۱ نمونه‌های متنوعی از سفالینه‌های با روش اسگرافیاتو وجود دارد که نقوش آن‌ها متأثر از نمادها و الگوهای اساطیری ایرانی است.

در سده‌های اولیه اسلامی، گونه‌ای سفالینه با عنوان اسگرافیاتو پدیدار شد که با الهام گرفتن از مضامین هنری قبل از اسلام پی‌ریزی شده بود. از معمول‌ترین نقوش سفالینه‌های مطالعه شده، مضامینی از داستان‌های کهن ایرانی و منظومه‌های عاشقانه است که بر روی سفالینه‌های مینایی تصویر شده‌اند. آنچه که در این پژوهش اهمیت دارد، تصویرسازی داستان ضحاک و فریدون است، که از نخستین داستان‌های اسطوره‌ای و دراماتیک شاهنامه محسوب می‌گردد و از مهم‌ترین موضوعات و مفاهیم نقوش سفالینه‌های اسگرافیاتو است.

بررسی اولیه در باب این پژوهش نشانگر آن است که مطالعات گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. به جز کارهایی که فریه (فریه، ۱۳۷۴: ۲۵۹) و سوستیل (سوستیل، ۱۹۸۵: ۶۵)، انجام داده‌اند. آن‌ها در آثار پژوهشی خویش به این نتیجه رسیدند که اغلب نقوش نمونه سفالینه‌های اسگرافیاتو، که با نقوش اساطیری تزیین شده‌اند، یادآور

۱. مجموعه بنیاد در بلوار میرداماد تهران، خیابان دامن‌افشار و درب ورودی در خیابان دفینه قرار دارد. ساختمان موزه با عنوان دفینه، توسط مهندس معمار آقای «نظام عمری» طراحی شده و در سال ۱۳۵۷ ساخت آن به اتمام رسیده است. این ساختمان در دو دوره با کاربری موزه مورد استفاده قرار گرفته است. دوره نخست موزه دفینه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ و دوره دوم موزه پول از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵. از سال ۱۳۸۵ به بعد نیز با عنوان مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان و جانبازان آغاز به کار کرد. در حال حاضر این مؤسسه چهار موزه فعال به نام‌های موزه دفینه، موزه زمان، موزه خودرو و موزه کاخ رامسر را زیر نظر دارد و ۱۴ خزانه تخصصی را با عناوین زیر اداره می‌کند: سفالینه، جنگ‌افزار، مطبوعات، نگاره‌ها، یافته‌ها، سازه‌های چوبی، تندیس، چینی و سرامیک، تاریخ تهران، آرایه‌ها و پیرایه‌ها، پول، زمان، خودرو و کاخ رامسر. مجموعه دفینه شامل مجموعه‌های نفیس هنری در بخش‌های جداگانه است. خزانه‌های سفالی مورد مطالعه، در یکی از بخش‌های این موزه است. سفال‌های این مجموعه از کاخ‌ها و مجموعه‌های خصوصی به مؤسسه بنیاد منتقل شد؛ بخشی از آثار این مجموعه قاچاق بود که پس از شناسایی منتقل شد و البته بعضی از آثار توسط مجموعه بنیاد از کمیته امداد خریداری شد.

صحنه‌هایی با مضامین حماسی - ادبی در شاهنامه‌اند. در حالی که در این مقاله سعی شده با نگرشی نو، به مطالعه و بازشناسی نقوش سفالینه‌های مورد نظر و ارتباط دقیق و مشخص این آثار و نمادها و الگوهای اساطیری ایرانی بپردازد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیل محتوا و ماهیت آن تطبیقی است. یافته اندوزی داده‌ها به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. ابتدا با مشاهده مستقیم و روش نمونه‌گیری، برخی از سفالینه‌های موزه بنیاد را انتخاب و بررسی گردید. سپس نقوش نمونه‌های سفالی مجموعه موزه‌های بنیاد و نقوش سفالینه‌های دیگر موزه‌ها، تحلیل و ارزیابی شده است.

نتیجه‌گیری

بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران، ارتباط فرهنگی و هنری گسترده‌ای میان حاکمان و هنرمندان به وجود آمد. تجدید عظمت ایران قبل از اسلام و توجه مردمان و حاکمان ایرانی به این باورها و سنت‌های ملی طی فرایندی و در قالب آثار هنری گوناگون، از جمله سفالگری نمود پیدا کرد. این موضوع به عنوان عاملی در جهت همبستگی و همفکری ایرانیان در مقابل اعراب مؤثر می‌نمود. با ظهور اسلام و منع استفاده از ظروف سیمین و زرین، هنر سفالگری از اعتبار ویژه‌ای برخوردار شد؛ بنابراین هنرمندان سفالگر دوره اسلامی برای تزیین سفال‌ها، از نقوش مختلفی بهره بردند که برگرفته از ادبیات و فرهنگ ایرانی با مضامین اسطوره‌ای بود. این نقوش شامل مناظر مختلفی از داستان‌های شاهنامه است. در میان گونه‌های متفاوت سفالی دوره اسلامی، سفالینه‌های مینایی دربرگیرنده مضامین عاشقانه و بزم پادشاهی است. داستان‌هایی چون بیژن و منیژه و بهرام و آزاده از علاقه مردم و حاکمان قرون میانی اسلام، به این مضامین خبر می‌دهد. در این میان، نقوش اساطیری گونه سفالی اسگرافیاتو که با روش خراش و کنده‌کاری خاص خود انجام می‌شد، با سایر سفالینه‌ها، تفاوت معناداری دارد. این سفال که اغلب از شمال غرب ایران به دست آمده است، مختص به طبقه اجتماعی خاصی نبود و به سفارش طبقات پایین اجتماع نیز ساخته می‌شد. از دوره‌های تاریخی تا ورود اسلام، این مناطق با هجوم بیگانگان همراه بوده است؛ از این رو در این سرزمین، اسطوره‌هایی مبنی بر مضامین دادخواهی و عدالتخواهی شکل گرفت که نمونه‌هایی از آن در سروده‌های شاهنامه و نقوش آثار سفالی دیده می‌شود. در واقع فردوسی روح عدالتخواهی ایرانی را به زبان شعر سروده و هنرمند سفالگر، در تزیینات سفالین به تصویر کشیده است؛ به طوری که می‌توان گفت هر سفال، همانند برگی از شاهنامه است. هنرمندان، پیوسته در فضای اجتماعی پیرامون خویش حضور داشتند و روح آزادیخواهی و حق‌طلبی را در آثار هنری خویش منعکس می‌کردند. این احتمال وجود دارد که طرح‌های این سفالینه‌ها به سفارش خریداران سفال بوده است. البته اگر این فرض را هم بپذیریم؛ بسیاری از این نقوش در جهت بازیابی هویت ملی ایرانی، به تصویر درآمده‌اند.

منابع

کتاب‌ها

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۷). اسب، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۸، تهران: آگه.
- آزند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران، تهران: سمت.
- باسورث، ک.ا. (۱۳۸۰). از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد ۴، گردآورنده ریچارد ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بهرام‌پور، نسرين. (۱۳۸۸). بررسی نمادهای مقدس ایرانی در سفال، تهران: شهرآشوب.
- پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ویرایش سیروس پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور اپهام و آکرمن، فیلیپس. (۱۳۸۰). شاهکارهای هنر ایران. نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- دادور، ابولقاسم و منصورى، الهام. (۱۳۹۰). اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند، تهران: دانشگاه الزهرا.
- دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۸۹). برگردان روایت گونه شاهنامه فردوسی به نثر، تهران: قطره.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۳). مشکل هویت ایرانیان امروز، تهران: نی.
- رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷). سفال ایران. تهران: یساولی.
- شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد ۱، تهران: جیهون.
- عباسیان، میرمحمد. (۱۳۷۰). تاریخ سفال و کاشی در ایران، تهران: گوتنبرگ.
- فرای، ریچارد ن. (۱۳۶۲). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- فردوسی، ابولقاسم. (۱۳۸۵). شاهنامه فردوسی، با مقدمه محمد یاحقی، براساس چاپ مسکو، تهران: سخن‌گستر.
- فریه، ردبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه.
- کیانی، یوسف. (۱۳۷۹). پیشینه سفال و سفال‌گری در ایران، تهران: نسیم دانش.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۵۵). آفرینش زیان کار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- گروبه، ارنست. (۱۳۸۴). سفال اسلامی، ترجمه فرناز حایری، تهران: کارنگ.
- محمدحسن، زکی. (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر.

میریوانی، محمد. (۱۳۸۲). بیجار در گذر زمان، تهران: نیک‌پندار.

مقصودی، مهرک. (۱۳۹۰). تأثیر نقوش اسلامی در هنر تزیینی، تهران: شلاک.

واحد دوست، مهوش. (۱۳۸۷). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی، تهران، سروش.

ویلسن آلن، جیمز. (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

مقالات

اسد سنگابی، کریم. (۱۳۷۷). "اسطوره چیست"، نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۴۷، صص ۲۴-۲۸.

چگنی، امیر. (۱۳۸۰). "اژی‌دهاک یا ضحاک، از اوستا تا شاهنامه"، نامه پارسی، شماره ۲۱، صص ۱۸-۳۲.

حنیف، محمد. (۱۳۸۰). "مقایسه جنبه‌های دراماتیک پهلوانی شاهنامه"، ادبیات داستانی، شماره ۵۴، صص ۷۸-۸۳.

دزفولیان راد، کاظم و امن خانی، عیسی. (۱۳۸۸). "دیگری و نقش آن در داستان‌های شاهنامه"، زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، صص ۱-۲۳.

رضایی دشت ارژنه، محمود. (۱۳۸۸). "رستم ازدهاکش و درفش ازدها پیکر"، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۴، صص ۵۳-۷۹.

رفعت، محمدتقی. (۱۳۸۴). "منش‌ها و کردارهای قهرمانان شاهنامه"، آموزش و زبان ادب فارسی، شماره ۷۳، صص ۱۵-۱.

زرین کوب، روزبه. (۱۳۸۷). "بنیان‌گذاری اتحاد مادها و اهمیت منبع‌شناسی آن"، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۹، شماره ۱، صص ۱۰۶-۱۰۲.

عابد دوست، حسین و کاظم پور، زیبا. (۱۳۸۷). "مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه‌ای تطبیقی با هنر بین‌النهرین"، فصل‌نامه نگره، شماره ۹۰۸، صص ۹۷-۱۱۱.

قائمی، فرزاد و یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). "اسب؛ پرتکرارترین نمادینه جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان"، فصل‌نامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۲، صص ۹-۲۶.

طالب پور، فریده و ماندانا پرهام. (۱۳۸۸). "جایگاه اسب در هنر ایران باستان"، مجله جلوه هنر، دو فصل‌نامه علمی ترویجی، شماره ۱، صص ۵-۱۲.

نجفی پور، اکرم و مطیعی، فروغ. (۱۳۸۹). "تأثیر ادبیات بر نقوش سفال‌های دوره اسلامی با تأکید بر نقش سیمرغ"، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۷، صص ۱۱۵-۱۱۰.

پایان‌نامه‌ها

شریف کاظمی، خدیجه. (۱۳۹۱). "مطالعه تکنیک سفالینه‌های اسگرافیاتو مجموعه سفالینه‌های مؤسسه موزه‌های بنیاد"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد ابراهیم زارعی، دانشگاه همدان.

موسوی، سید مهدی. (۱۳۷۳). "بررسی اهمیت مذهبی، معیشتی، تفننی شکار در دوران تاریخی ایران براساس مدارک باستان‌شناسی"، پایان‌نامه کارشناس ارشد، به راهنمایی محمد رحیم صراف، دانشگاه تربیت مدرس.

مؤمن‌خانی، کامبیز (۱۳۷۹)، "بررسی اشکال و نقوش تزیینی سفال و آثار فلزی ایران در دوره سلجوقیان ۴۳۰-۵۹۱ هجری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی مهناز شایسته‌فر، دانشگاه تربیت مدرس.

منابع لاتین

Charleston, R. (۱۹۷۵). *World Ceramics*, Malta School For Craftsman Targa Cap, Mosta,

Fehervari, G. (۱۹۷۳). *Islamic pottery*, a Comprehensive study based on the Barlow Collection. London: Faber and Faber Limited ۳ Queen Square London WCI.

Fehervari, G. (۲۰۰۰). *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, London/New York, Paris.

Hillenbrand, R. (۱۹۹۴). The Relationship between Bookpainting and Luxury Ceramics in ۱۳th century Iran, In *The Art of The Saljugs in Iran and Anatolia*, Proceeding of a Symposium Held in Edinburg in ۱۹۸۲", Mazda, California, ۳, pp. ۱۳۴-۱۴۵.

Liverani, M. (۱۹۹۲). Contributions to the Historical geography of the Zagros in the Neo- Assyrian period, Ann Arbor, Michigan.

Loukonine, Vladimir & Anatoli, I. (۲۰۰۳). *Pertain Art*, London, Sirocco.

Pope, Upham A. (۱۹۳۸). *A Survey of Persian Art From Prehistoric Times To The Present*, London & New York, American Institute for Iranian Art and Archaeology.

Radner, K. (۲۰۰۳). *An Assyrian view on the Medes, Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*, Padova.

Soustiel, J. (۱۹۸۵). *La Ceramic Islamique*, Fribourg.

www.Armitaj-museum.org, ۹,۲۰۰۷,۹:۲۰ am.

www.Harvardard-museum.org, ۲۰,۵,۲۰۱۰, ۵:۳۰ pm.

